



میزان سازگاری زناشویی در دانشجویان ساکن خوابگاه

دکتر عباسعلی ناصحی*، دکتر فیروزه رئیسی**، دکتر مجید جعفری***، دکتر مجتبی رحمانی***

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی میزان سازگاری زناشویی در گروهی از زنان و مردان متأهل ساکن در خوابگاه دانشگاه علوم پزشکی تهران و بررسی رابطه‌ی میان سازگاری زناشویی با برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی انجام شده است.

روش: این بررسی از نوع توصیفی-مقطعی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ی سازگاری زناشویی بود. آزمودنی‌های پژوهش ۱۴۸ نفر دانشجوی متأهل ساکن در خوابگاه متأهل‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران (۷۴ مرد و ۷۴ زن) بودند. تحلیل داده‌ها به کمک آزمون آماری خی‌دو و توزیع دقیق فیشر انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده‌ی سازگاری زناشویی در ۷۵/۸٪ و ناسازگاری در ۲۴/۲٪ آزمودنی‌ها بود. از میان متغیرهای بررسی‌شده ارتباط معنی‌داری میان متغیرهای تفاوت سنی زن و شوهر و طول سال‌های ازدواج با سازگاری زناشویی دیده شد.

نتیجه: با افزایش تفاوت سنی و طول سال‌های ازدواج، سازگاری زناشویی کاهش می‌یابد.

کلیدواژه: سازگاری زناشویی، پرسش‌نامه‌ی MAT، دانشجویان

مقدمه

روانی را به خود جلب نموده است. از سوی دیگر، بررسی‌ها نشان داده‌اند که در بیشتر کشورها از جمله در کشور ما، ساختار خانواده تغییر نموده و آمار طلاق رو به افزایش است (فولادفر، ۱۳۷۳).

ازدواج را می‌توان مهم‌ترین تصمیم‌گیری در زندگی هر فرد دانست که به دلیل اثرهای مستقیم آن بر بافت خانواده، نظر بسیاری از کارشناسان بهداشت

* روانپزشک، تهران، خیابان ایتالیا، مرکز آموزش عالی علمی کاربردی هلال ایران.

** روانپزشک، استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، خیابان کارگر جنوبی، بیمارستان روزبه (نویسنده مسئول).

E-mail: RAISI_F@yahoo.com

*** پزشک عمومی، تهران، خیابان کارگر جنوبی، بیمارستان روزبه.

کارشناسان خانواده بهترین سن ازدواج را برای پسران ۲۴ تا ۲۸ سال، و برای دختران ۲۰ تا ۲۲ سال می‌دانند (کارلسون^۱، ۱۳۷۸). در مورد تفاوت سنی میان همسران نیز تفاوت سنی بین ۳ تا ۴ سال (مرد بزرگتر از زن) مناسب تشخیص داده شده است (ماروخانی، ۱۳۷۰). در مورد تأثیر طول مدت ازدواج بر سازگاری زناشویی، زمانی منفرد (۱۳۷۶) نشان داد که با افزایش مدت ازدواج، سازگاری زناشویی کاهش می‌یابد.

دیکسون^۲ (۱۹۸۵) در ارزیابی خود در زمینه‌ی رضامندی جنسی و شادکامی زناشویی نشان داد کسانی که در رضامندی جنسی نمره‌های بالایی به دست آورده‌اند، از زندگی زناشویی رضایت بیشتری دارند. مشکلات جنسی یکی از عواملی است که در ازدواج‌های موفق و پایدار نیز می‌تواند سبب بروز مشکلات زناشویی شود. از این رو پیش از ازدواج باید نسبت به درمان آنها اقدام گردد (شاملو، ۱۳۷۳).

یاجو^۳ (۱۹۸۶) در پژوهشی با عنوان رابطه‌ی استرس و رضامندی زناشویی در میان همسرانی که هر دو در بیرون خانه کار می‌کردند، نشان داد که میان استرس و رضامندی زناشویی همبستگی منفی وجود دارد و میزان استرس در میان زنان بالا است. سانگ^۴ (۱۹۹۵) در ارزیابی میزان رضامندی جنسی میان همسران کره‌ای مقیم آمریکا دریافت که شوهران بیش از زنان از کیفیت رابطه‌ی جنسی خود رضایت دارند. میزان عزت نفس، نگرش مثبت و همدلی زن و شوهر با ارضای جنسی بهتر و کامل‌تر مرتبط شناخته شد و با رضامندی جنسی در جوان‌ترها همبستگی بیشتری داشته است. هم‌چنین تفاوت فرهنگی زن و شوهر از میزان رضایت جنسی آنها می‌کاست.

آسیتلی^۵ (۱۹۹۴) در زمینه‌ی نقش حمایت در زندگی زناشویی نشان داد که رابطه‌ی میان رضامندی زناشویی و حمایت، نزد زنان نیرومندتر از مردان است.

اسکویتی^۶ (۱۹۹۴) در بررسی تأثیر مراقبت از اولیای سالمند بر میزان رضامندی زناشویی نشان داد که میزان

رضامندی زنان با حمایت عاطفی شوهران و بازداری آنان از نگهداری والدینشان رابطه‌ی تنگاتنگ دارد.

بال^۷ (۱۹۹۳) نشان داد که وجود بچه‌های خردسال در خانه با کاهش سطح شادکامی زناشویی در زنان سیاه‌پوست ارتباط مستقیم دارد و نزد شوهران نیز شمار فرزندان ۶ تا ۱۲ ساله دارای رابطه‌ی منفی با شادکامی آنها در روابط زناشویی است.

گرین^۸ (۱۹۹۱) در بررسی خود نشان داد که همبستگی معنی‌داری میان رضایت هر یک از همسران با سن آنها، تحصیلات و درآمد خانواده وجود دارد.

در پژوهش دیگری (جلیلی، ۱۳۷۵) نشان داده شد طول سال‌های ازدواج بر همکاری شوهر در خانه و میزان ابراز محبت وی به همسر تأثیر دارد که این امر خود رضامندی زناشویی را در پی دارد. هم‌چنین میزان تحصیلات همسران و شمار فرزندان نیز در رضامندی زناشویی مؤثر دانسته شده است (همان‌جا). از فشارهای مستمر اقتصادی نیز به‌عنوان عاملی مؤثر بر روابط زن و شوهر یاد شده است (کارلسون، ۱۳۷۸).

از آن‌جا که روابط میان زن و شوهر در سلامت روانی و رفتاری آنان تأثیر دارد و از سوی دیگر چگونگی روابط میان همسران در سلامت عاطفی فرزندان نقش دارد و نابسامانی خانواده با کج‌روی‌های اجتماعی در ارتباط است، انجام پژوهش‌هایی از این دست مورد توجه قرار گرفته است.

روش

این بررسی از نوع توصیفی-مقطعی است که بر روی ۱۴۸ نفر (۷۴ مرد و ۷۴ زن) که در خوابگاه متأهل‌های دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی تهران ساکن بوده‌اند اجرا گردیده است.

گفتنی است که از مجموع ۲۱۰ پرسش‌نامه‌ی توزیع شده، ۱۴۸ پرسش‌نامه قابل بررسی بود. ابزار

1- Karlson
3- Yogueu
5- Acitelli
7- Ball

2- Dixon
4- Song
6- Scuitter
8- Green

اندازه‌گیری شامل مقیاس سازگاری زناشویی بر اساس پرسش‌نامه‌ی آزمون سازگاری زناشویی^۱ بود (لاک^۲ و والاس^۳، ۱۹۵۹) که تاکنون در بررسی‌های بسیاری به کار برده شده است. این پرسش‌نامه دارای ۱۵ پرسش است و گستره‌ی نمره‌های آن از ۲-۱۵۸ می‌باشد که نمره‌ی پایین، سازگاری کم و نمره بالا، سازگاری زیاد را نشان می‌دهد. نمره‌های زیر ۱۰۰ نشان‌دهنده‌ی تیدگی و نمره‌های ۱۰۰ و بالاتر نشان‌دهنده‌ی سازگاری زناشویی است. مظاهری (۱۳۷۹) به کمک روش دونیمه کردن، پایایی و روایی بالای ۰/۹۰ را گزارش نموده است. وی هم‌چنین با تمایز آشکار میان همسران تنیده و غیر تنیده، اعتبار بسیار بالایی را نشان داده است.

یک پرسش‌نامه‌ی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نیز به پرسش‌نامه افزوده شد که دارای پرسش‌هایی درباره‌ی جنس، سن، سن ازدواج، تفاوت سنی همسران، طول مدت ازدواج، میزان تحصیلات، رابطه‌ی خویشاوندی، قومیت یکسان یا غیر یکسان، همشهری یا غیر همشهری بودن، دانشجوی بودن یا نبودن زن، ازدواج پیش از ورود به دانشگاه یا پس از آن، داشتن یا نداشتن فرزند و هم رشته بودن یا نبودن همسران دانشجوی بود.

تکمیل پرسش‌نامه‌ها در ماه اردیبهشت سال ۱۳۸۰ انجام شد. پیش از پاسخ به پرسش‌نامه، درباره‌ی محرمانه بودن اطلاعات گردآوری شده و چگونگی تکمیل پرسش‌نامه به آزمودنی‌ها توضیح کافی داده می‌شد. شماری از افراد از دریافت پرسش‌نامه خودداری نمودند و گروهی پرسش‌نامه‌ها را پس ندادند.

تحلیل داده‌ها به کمک آزمون آماری خی‌دو و توزیع دقیق فیشر^۴ انجام شد.

یافته‌ها

داده‌های گردآوری شده از ۱۴۸ پرسش‌نامه‌ی تکمیل شده (۷۴ مرد و ۷۴ زن) نشان داد که دامنه‌ی سنی مردان ۲۲-۲۳ سال با میانگین ۳۰ سال و دامنه‌ی سنی زنان ۲۵-۱۹ سال با میانگین ۲۵ سال است.

دامنه‌ی تفاوت سنی همسران ۱۵-۰ سال با میانگین ۵ سال بود. میانگین سن ازدواج در زنان ۲۰ سال و در مردان ۲۵ سال بود.

۲۸٪ مردان پیش از ورود و ۷۲٪ آنان پس از ورود به دانشگاه ازدواج کرده بودند. در مورد آزمودنی‌های زن دانشجو، این ارقام به ترتیب ۴۲٪ و ۵۸٪ بود (یکی از آزمودنی‌ها به این پرسش پاسخ نداده بود). ۷۷٪ از مردان اعلام کردند که همسر آنها دانشجو است و ۲۳٪ آنان همسر غیر دانشجو داشتند. همه‌ی زنان پاسخ‌گو، همسر دانشجو داشتند. از نظر رشته‌ی تحصیلی ۵۹٪ آزمودنی‌های مرد دانشجوی رشته‌ی پزشکی، ۱۱٪ دندان‌پزشکی، ۷٪ داروسازی و ۲۳٪ نیز سایر رشته‌های علوم پزشکی بودند. ۵٪ آزمودنی‌های زن نیز دانشجوی رشته‌ی پزشکی، ۴٪ دندان‌پزشکی، ۱۲٪ سایر رشته‌های علوم پزشکی و ۳۷٪ رشته‌های غیرعلوم پزشکی بودند. ۳۵٪ نیز مدرک دیپلم و یا زیر دیپلم داشتند. رشته‌ی تحصیلی ۱٪ آزمودنی‌های مرد و ۷٪ آزمودنی‌های زن مشخص نشد. ۴٪ مردان و ۸٪ زنان با همسرشان هم‌رشته بودند و بقیه رشته‌ی تحصیلی متفاوتی داشتند.

طول مدت ازدواج ۳۳٪ آزمودنی‌ها کمتر از ۳ سال، ۳۴٪ آنها از ۳ تا ۶ سال و ۳۳٪ آنها بیش از ۶ سال گزارش شد. ۷۲٪ مردان و ۶۶٪ زنان مورد بررسی با همسرشان هم‌شهری بودند. ۴۴٪ مردان و ۴۴٪ زنان نیز بیان کردند که با همسر خود خویشاوند بوده‌اند. ۷۰٪ از پاسخ‌دهندگان فرزند داشته‌اند (یک تا ۳ فرزند).

آزمون دقیق فیشر بیانگر سازگاری زناشویی در ۷۵/۸٪ افراد مورد بررسی و تیدگی زناشویی در ۲۴/۲٪ آنان می‌باشد. دامنه‌ی نمره‌ی سازگاری زناشویی پاسخ‌دهندگان ۱۵۱-۲۹ (میانگین ۱۰۹) است که فاصله‌ی کمی با نمره‌ی ۱۰۰ (مرز میان سازگاری و ناسازگاری) دارد.

آزمون خی‌دو میان سازگاری زناشویی و تفاوت سنی همسران، رابطه‌ی معکوس ($\chi^2=7.787$) نشان داد.

1- Marital Adjustment Test 2- Locke
3- Wallace 4- Fisher

به بیان دیگر با افزایش تفاوت سنی، سازگاری زناشویی کاهش یافته است (جدول ۱).

جدول ۱- توزیع فراوانی‌های مطلق و نسبی میزان سازگاری زناشویی براساس تفاوت سنی همسران در نمونه‌ی مورد بررسی

سازگاری زناشویی	اختلاف سنی همسران (سال)			
	کمتر از ۳	۳ تا ۶	بیشتر از ۶	جمع
	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)
ناسازگار	۷ (۱۴/۶)	۱۲ (۲۳/۱)	۱۸ (۳۷/۵)	۳۷ (۲۵/۰)
سازگار	۴۱ (۸۵/۴)	۴۰ (۷۶/۹)	۳۰ (۶۲/۵)	۱۱۱ (۷۵/۰)
جمع	۴۸ (۱۰۰)	۵۲ (۱۰۰)	۴۸ (۱۰۰)	۱۴۸ (۱۰۰)

میان سازگاری زناشویی و طول مدت ازدواج رابطه‌ی معکوس ($\chi^2=15/05$) وجود دارد، یعنی با افزایش طول مدت زندگی مشترک، سازگاری زناشویی کاهش می‌یابد (جدول ۲).

جدول ۲- توزیع فراوانی‌های مطلق و نسبی میزان سازگاری زناشویی براساس طول مدت ازدواج در نمونه‌ی مورد بررسی

سازگاری زناشویی	طول مدت ازدواج (سال)			
	کمتر از ۳	۳ تا ۶	بیشتر از ۶	جمع
	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)
ناسازگار	۵ (۱۰/۲)	۱۸ (۳۶)	۲۲ (۴۴/۸)	۴۵ (۳۰/۴)
سازگار	۴۴ (۸۹/۸)	۳۲ (۶۴)	۲۷ (۵۵/۲)	۱۰۳ (۶۹/۶)
جمع	۴۹ (۱۰۰)	۵۰ (۱۰۰)	۴۹ (۱۰۰)	۱۴۸ (۱۰۰)

میان سازگاری زناشویی و سایر متغیرهای مورد پژوهش ارتباط معنی‌داری دیده نشد.

بحث

شناسایی عامل‌های مؤثر بر سازگاری زناشویی در میان دانشجویان، به مشاورین زناشویی کمک می‌نماید تا میزان سازگاری را در دانشجویان مایل به ازدواج، پیش‌بینی نمایند (سلیمانیان، ۱۳۷۳). از سوی دیگر با شناسایی عامل‌هایی که پس از ازدواج، باعث تقویت این رابطه‌ی دوسویه می‌شوند، می‌توان این رابطه را هرچه بیشتر نیرومند نمود.

یافته‌های بررسی حاضر با بررسی‌های انجام شده پیرامون عامل‌های مؤثر بر سازگاری و رضامندی زناشویی هم‌سویی دارد و این خود بیانگر آن است که بسیاری از این عامل‌ها قابل شناسایی هستند (سلیمانیان، ۱۳۷۳).

این پژوهش نشان داد که تفاوت سنی همسران تأثیر معکوس در سازگاری زناشویی آنان دارد. به بیان دیگر، بیشترین سازگاری در تفاوت سنی کمتر از سه سال دیده می‌شود. این یافته با بررسی‌های دیگر از جمله صدق‌آمیز (۱۳۷۶) که در بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز به رابطه‌ی معنی‌دار میان سازگاری زناشویی و تفاوت کمتر سنی اشاره نموده است، هم‌خوانی دارد. در این زمینه گروهی از پژوهشگران به تفاوت سنی ۶-۵ سال و برخی به ۴-۳ سال اشاره نموده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰). کارلسون نیز بر این باور است که چون چشم‌داشت‌ها و شیوه‌ی نگرش افراد با بالا رفتن سن دگرگون می‌شود و افراد در گروه‌های سنی مختلف دارای فرهنگ و اندیشه‌ای متفاوت هستند، تفاوت زیاد سنی بر ماندگاری زناشویی تأثیر خواهد گذاشت (کارلسون، ۱۳۷۸).

هم‌چنین به باور نلسون^۱ (۱۹۹۱)، درباره‌ی رضامندی زناشویی زنانی که با مردان مسن‌تر از خود ازدواج کرده‌اند دو نظریه وجود دارد. دیدگاه روانکاو، دستیابی به رضامندی زناشویی را در این زنان به سختی ممکن می‌داند. از دیدگاه اجتماعی،

این زنان فرصت بهتری برای دستیابی به رضامندی دارند.

به طور کلی می توان گفت که گرچه بررسی های انجام شده در زمینه ی تفاوت سن زن و شوهر یافته های یکسانی را گزارش نکرده اند، تقریباً همگی باور داشته اند که نزدیک بودن سن همسران در استواری پیوند زناشویی نقش مؤثری دارد.

اما نباید گمان کرد که هر پیوند زناشویی با فاصله ی سنی زیاد زن و شوهر، در معرض آسیب خواهد بود، بلکه وجود دلبستگی ها، آرمان مشترک، تحصیلات بالا و مانند آنها می تواند بر استواری پیوند زناشویی تأثیر بگذارد.

یافته ی دیگر پژوهش، نشانگر رابطه ی معکوس سازگاری زناشویی با طول مدت ازدواج است. این یافته با یافته های سایر پژوهش ها هم خوانی دارد. از جمله زمانی منفرد (۱۳۷۶) در بررسی خود دریافت که با افزایش طول زندگی مشترک، به علت بروز اختلاف ها، سازگاری زناشویی کمتر می شود.

در زمینه ی متغیر درآمد که در این بررسی رابطه ی معنی داری با سازگاری زناشویی نداشت، می توان گفت این نکته که تجمل پرستی در محیط خوابگاه کمتر دیده می شود و نیز همسران دانشجو با آگاهی کامل از این که در دوران دانشجویی درآمد مناسبی نخواهند داشت، با هم پیوند زناشویی بسته اند، می تواند در ناهمخوان بودن یافته ی این بررسی با سایر بررسی ها (کارلسون، ۱۳۷۸؛ گری، ۱۳۷۸) دخالت داشته باشد.

در مورد متغیرهای خویشاوند و هم شهری بودن نیز یافته های پژوهش حاضر با سایر بررسی ها هم سو نیست (همان جا).

گفتنی است در زمینه ی تأثیر سن فرد در سازگاری زناشویی، چون محدوده ی سنی آزمودنی های پژوهش حاضر محدوده ی سنی جامعه نبوده است (۱۹ تا ۳۲ سال)، این یافته ی پژوهش را نمی توان با یافته های سایر پژوهش های انجام شده در جمعیت عمومی مقایسه کرد (کارلسون، ۱۳۷۸).

پیشنهاد می شود تأثیر سایر عوامل مانند سطح درآمد و بودن یا نبودن فرزند در خانواده نیز مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به شهرستانی بودن، درآمد کم، سطح بالای تحصیلات و کم بودن شمار آزمودنی ها ممکن است یافته ی بررسی حاضر را نتوان به همه ی جمعیت مورد بررسی تعمیم داد. بنابراین پیشنهاد می شود پژوهش بر روی گروهی که تعمیم پذیری بیشتری دارد، برای نمونه کلیه ی دانشجویان متأهل، انجام شود.

از آنجا که پرکردن پرسش نامه ها در یک اتاق توسط همسران ممکن است بر پاسخ ها تأثیر بگذارد و یا ایجاد سوگیری کند، پیشنهاد می شود که پرسش نامه در دو گروه جداگانه (مردان و زنان) پاسخ داده شود.

سپاسگزاری

از همکاری آقایان دکتر حمیدرضا پوراعتقاد و دکتر محمدعلی مظاهری صمیمانه تشکر و قدردانی می شود.

منابع

جلیلی، فریا (۱۳۷۵). *بررسی عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی در زنان نخل و خانه دار*، پایان نامه ی کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی.

زمانی منفرد، افشین (۱۳۷۶). *بررسی رابطه ی سطح نیازمندی زناشویی و سطح توانایی ابراز وجود در گروههایی از زوجین ساکن در دو شهرک وابسته به یکی از سازمانهای صنعتی تهران*، پایان نامه ی کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.

سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۷۳). *بررسی تأثیر تفکرات غیر منطقی بر رضایت زناشویی*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.

شاملو، سعید (۱۳۷۳). *بهداشت روانی*. تهران: انتشارات رشد.

صدق آمیز، خدیجه (۱۳۷۶). *بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

فولادفر، سوسن (۱۳۷۳). *جوانان، ازدواج و خانواده*، مقاله ارایه شده در سمینار کمیسیون امور بانوان، شیراز: استناداری فارس.

Green,R.(1991). *The relationship between salary and marital satisfaction*. Proquest dissertation abstract.

Locke,H.J.,& Wallace,K.M.(1959). Short marital adjustment and prediction tests: the reliability and validity. *Marriage and Family Living*, 21, 251-255.

Nelson,N.(1991). *Marital satisfaction and sex role*. Proquest dissertation abstract .

Scuiter,J.(1994). Family care giving and marital satisfaction. *Journal of Marriage and Family*, 5, 681-696.

Song,J. (1995). Sexual satisfaction among Korean-American couples. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 21, 147-158.

Yogeu,S.(1986). Relationship between stress and marital satisfaction among dual-earner couples. *Journal of Woman Therapy*,52, 313-330.

کارلسون، جان (۱۳۷۸). *خانواده درمانی، تضمین درمان کارآمد*. ترجمه: شکوه نوابی نژاد. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

گری، جان (۱۳۷۸). *زن، مرد، ارتباط*. ترجمه: مهدی فراهی داغی. تهران: نشر دایره.

مظاهری، محمد علی (۱۳۷۹). بررسی روایی و پایایی پرسش نامه MAT. *مجله روانشناسی*، شماره ۱۵، ۳۱۸-۲۸۶.

Acitelli,L.(1994). Gender differentiation in link between marital support and satisfaction,in older couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67,688-698.

Ball,R.E.(1993). Children and marital happiness of black Americans. *Journal of Comparative Family Studies*,24, 203-218.

Dixon,D. (1985). Perceived sexual satisfaction and marital happiness. *Journal of Home Sexuality*, 11, 209-222.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی